

القول: في الطواف

٥- طواف

وفيه ثلاثة مقاصد:

شامل سه سرفصل است:

الأول: في المقدمات.

اول: مقدمات

وهي واجبة ومندوبة: فالواجبات: الطهارة، وإزالة النجاسة عن الثوب والبدن، وأن يكون مختوناً، ولا يعتبر في المرأة.

شامل مقدمات واجب و مقدمات مستحب است.

مقدمات واجب: طهارت، پاک کردن نجاست از لباس و بدن و اینکه ختنه شده باشد (این مورد برای زنان شرط نیست).

والمندوبات ثمانية: الغسل لدخول مكة، فلو حصل عذر اغتسل بعد دخوله، والأفضل أن يغتسل من بئر ميمون، أو من فح، وإلا ففي منزله. ومضغ الانخز، وأن يدخل مكة من أعلاها، وأن يكون حافياً، على سكيئة ووقار، ويغتسل لدخول المسجد الحرام، ويدخل من باب بني شيبه ليطأ هبل، وهو غير موجود الآن حيث ما الوهابيون النواصب أثره، وبعد أن يقف عندها ويسلم على النبي (ص) ويدعو بالمأثور.

مقدمات مستحب: هشت مورد هستند: غسل کردن برای ورود به مکه و اگر عذری [که مانع از غسل کردن است] داشته باشد پس از ورود غسل کند، بهتر است از چاه میمون یا از «فح»⁽¹⁾ غسل نماید، وگرنه در منزل خود غسل کند. جویدن اذخیر⁽²⁾، وارد شدن به مکه با پای برهنه و با آرامش و سنگینی از سمت بالای آن، غسل کردن برای ورود به مسجدالحرام، وارد شدن به مسجدالحرام از باب بنی شیبه برای اینکه هبل را زیر پای خود لگدکوب

1- مکانی در یک فرسخی مکه برای کسی که از سمت مدینه به مکه وارد می شود. (مترجم)

2- یک نوع سبزی معطر که برای خوشبو شدن دهان جویده می شود و در فارسی به آن «کوم» گفته می شود. (مترجم)

کند،⁽³⁾ البته در حال حاضر باب بنی شیبه وجود ندارد زیرا وهابی‌های ناصبی آثار آن را از بین برده‌اند؛ پس از آن ایستادن کنار درب (باب بنی شیبه) و سلام‌دادن به پیامبر (ص) و خواندن دعا‌های مأثوره.⁽⁴⁾

المقصد الثاني: في كيفية الطواف.

دوم: چگونگی طواف

وهو يشتمل على: واجب وندب.
شامل واجبات و مستحبات است.

فالواجب سبعة: النية، والبدء بالحجر، والختم به، وأن يطوف على يساره، وأن يدخل الحجر في الطواف، وأن يكمله سبعاً، وأن يكون بين البيت والمقام، ولو مشى على أساس البيت أو حائط الحجر لم يجزه.

واجبات طواف:

هفت مورد است:

۱- نیت.

۲- آغاز کردن طواف از روبه‌روی حجرالاسود و به پایان رساندن طواف تا همان‌جا.

۳- هنگام طواف سمت چپ بدنش به‌سوی کعبه باشد.

۴- هنگام طواف خارج از حجر حرکت کند.⁽⁵⁾

۵- هفت شوط (دور) را کامل کند.

۶- بین خانه کعبه و مقام ابراهیم طواف کند.⁽⁶⁾

۷- اگر روی پایه‌های کعبه یا دیوار حجر اسماعیل حرکت کند صحیح نیست.

3- زیرا بنا بر آنچه در روایات آمده است، بت هبل پس از سقوط از بام کعبه به دست حضرت علی (ع) کنار باب بنی شیبه به سمت مسجد دفن گردیده است که با ورود از این در، بت یادشده لگدمال می‌شود. (مترجم)

4- دعا‌های نقل شده از آل محمد (ع). (مترجم)

5- یعنی حجر اسماعیل در درون دایره طواف قرار گیرد. (مترجم)

6- شعاع حرکتش بیشتر از فاصله بین کعبه و مقام ابراهیم (ع) نباشد. (مترجم)

ومن لوازمه ركعتا الطواف، وهما واجبتان بعده في الطواف الواجب، ولو نسيهما وجب عليه الرجوع، ولو شق قضاهما حيث ذكره، ولو مات قضاهما الولي.

از ملزومات طواف، دو ركعت نماز طواف است که واجب است بعد از طواف واجب به جا آورده شود و اگر فراموش کند باید بازگردد و اگر مشقت داشت هر جا که یادش آمد به جا آورد و اگر از دنیا رفت باید ولی اش به جای او قضا نماید.

مسائل ست:

مسائل شش گانه:

الأولى: الزيادة على السبع في الطواف الواجب محظورة، وفي النافلة مكروهة.
اول: بیش از هفت دور طواف کردن در طواف واجب ممنوع و در طواف مستحب مکروه است.

الثانية: الطهارة شرط في الواجب دون النذر، حتى أنه يجوز ابتداء المنذور مع عدم الطهارة وإن كانت الطهارة أفضل.

دوم: طهارت (وضوداشتن) در طواف واجب شرط است اما برای طواف مستحب لازم نیست، به طوری که جایز است طواف مستحبی را بدون طهارت آغاز کند هر چند با طهارت بودن بهتر است.

الثالثة: يجب أن يصلي ركعتي الطواف في المقام حيث هو الآن، ولا يجوز في غيره، فإن منعه زحام صلى وراءه، أو إلى أحد جانبيه.

سوم: واجب است دو ركعت نماز طواف را در جایی که در حال حاضر مقام ابراهیم (ع) قرار دارد بخواند (و جایز نیست در جای دیگری بخواند) و اگر ازدحام جمعیت مانعش شد، پشت مقام یا در یکی از دو طرف آن نماز طواف را به جا آورد.

الرابعة: من طاف في ثوب نجس مع العلم لم يصح طوافه، وإن لم يعلم ثم علم في أثناء الطواف أزاله وتمم، ولو لم يعلم حتى فرغ كان طوافه ماضياً.

چهارم: اگر کسی بداند لباسش نجس است و با همان لباس طواف نماید، طوافش صحیح نیست و اگر نداند و در حین طواف بفهمد، نجاست را برطرف نماید و طواف را به پایان برساند و اگر نداند و بعد از پایان طواف متوجه شد که لباسش نجس بوده طوافش صحیح است.

الخامسة: يجوز أن يصلي ركعتي طواف الفريضة في أي وقت شاء.

پنجم: دو رکعت نماز طواف واجب را در هر زمان که خواست می‌تواند بخواند.

السادسة: من نقص من طوافه، فإن جاوز النصف رجع فأتّم، ولو عاد إلى أهله أمر من يطوف عنه، وإن كان دون ذلك استأنف. وكذا من قطع طواف الفريضة لدخول البيت أو بالسعي في حاجته. وكذا لو مرض في أثناء طوافه، ولو استمر مرضه حيث لا يمكن أن يطاف به طيف عنه. وكذا لو أحدث في طواف الفريضة. ولو دخل في السعي فذكر أنه لم يتم طوافه رجع فأتّم طوافه إن كان تجاوز النصف، ثم تم السعي.

ششم: کسی که طوافش را ناقص انجام داده است اگر بیش از نصف کل طواف را انجام داده باشد⁽⁷⁾ بازگشته، آن را کامل کند و اگر به خانه‌اش برگشته بود کسی را مأمور کند تا از طرف او نقص طوافش را کامل نماید و اگر این‌گونه نبود دوباره طواف کند. حکم کسی که طواف واجبش را به دلیل ورود به خانه کعبه و یا جهت تلاش برای رسیدن به [نیازش قطع نموده باشد به همین صورت است. اگر در اثنای طوافش بیمار شود و اگر بیماری‌اش ادامه یافت به طوری که نتوانست طواف کند از طرف او طواف را به‌جا آورند. اگر در طواف واجب، حادثی از او سر بزند نیز حکمش همین است. اگر سعی صفا و مروه را شروع نماید و به یاد آورد که طوافش را تمام نکرده است، اگر بیش از نصف کل طواف را انجام داده باشد بازگردد و آن را کامل کند، سپس به محل صفا و مروه رفته، سعی‌اش را تمام کند.

والندب خمسة عشر: الوقوف عند الحجر، وحمد الله والثناء عليه والصلاة على النبي وآله عليهم السلام، ورفع اليدين بالدعاء، واستلام الحجر وتقبيله، فإن لم يقدر فبيده، ولو كانت مقطوعة استلم بموضع القطع. ولو لم يكن له يد اقتصر على الإشارة، وأن يقول: (هذه أمانتي أديتها، وميثاقي تعاهدته، لتشهد لي بالموافاة. اللهم تصديقاً بكتابك ... إلى آخر الدعاء).

مستحبات طواف:

پانزده مورد:

توقف نزد حجرالأسود، حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیامبر و خاندانش (ع)، بالابردن دست‌ها برای دعا، دست‌کشیدن روی حجر و بوسیدن آن، اگر نتوانست بپوسد بر آن دست بکشد و دستش را ببوسد و اگر دستش بریده بود با موضع قطع شده دستش آن را لمس کند. اگر دست نداشت فقط به اشاره اکتفا کند و مستحب است بگوید: «هذه أمانتي أديتها، وميثاقي تعاهدته، لتشهد لي بالموافاة. اللهم تصديقاً بكتابك ... تا آخر دعا»⁽⁸⁾

7- مثلاً چهار شوط (دور) انجام داده باشد. (مترجم)

8- (هذه أمانتي أديتها، وميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة، اللهم تصديقاً بكتابك، و على سنة نبيك، أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، و أن محمداً عبده ورسوله، أمنت بالله و كفرت بالجنب و الطاغوت، و باللات و العزى، و عبادة الشيطان و عبادة كل نذ يدعى من دون الله؛ (أدای امانت کردم و به ميثاقي وفا نمودم تا اینکه به وفای به عهد برایم گواهی دهی. پروردگارا! کتاب تو (قرآن) و سنت پیامبرت را تصدیق می‌کنم و گواهی می‌دهم جز خدای یکتا و بی‌همتا معبودی نیست و به راستی، محمد (ص) بنده و فرستاده اوست. به الله ایمان آوردم و به هر معبودی جز حق و به طاغوت و لات و عزری و به پرستش شیطان و پرستش هر آنچه همتای خدا خوانده می‌شود کفر می‌ورزم). (مترجم)

وَأَنْ يَكُونَ فِي طَوَافِهِ دَاعِيًا ذَاكِرًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَى سَكِينَةٍ وَوَقَارٍ مُقْتَصِدًا فِي مَشْيِهِ، وَأَنْ يَقُولَ: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشِي بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ ... إِلَى آخِرِ الدُّعَاءِ)، وَأَنْ يَلْتَزِمَ الْمَسْتَجَارَ فِي الشُّوْطِ السَّابِعِ، وَيَبْسُطُ يَدَيْهِ عَلَى الْحَائِطِ، وَيَلْصِقُ بِهِ بَطْنَهُ وَخَدَهُ، وَيَدْعُو بِاللِّدْعَاءِ الْمَأْتُورِ، وَلَوْ جَاوَزَ الْمَسْتَجَارَ إِلَى رُكْنِ الْيَمَانِيِّ لَمْ يَرْجِعْ، وَأَنْ يَلْتَزِمَ الْأَرْكَانَ كُلَّهَا، وَأَكْثَرَهَا الَّذِي فِيهِ الْحِجْرُ وَالْيَمَانِيُّ.

همچنین مستحب است هنگام طواف با آرامش و سنگینی و با میانه روی گام بردارد، دعا بخواند و ذکر خدا بگوید و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشِي بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ ... تَا آخِرِ دَعَا» (9). اینکه در شوط هفتم به مستجار (10) بچسبید، دو دستش را بر دیوار بگشاید، شکم و گونه اش را به آن بچسباند و دعاهایی که از معصومین (ع) وارد شده است را بخواند. اگر از مستجار به سمت رکن یمانی گذشته بود برنگردد. مستحب است خود را به تمام رکن های کعبه بچسباند و چسبیدن به رکنی که در آن حجرالأسود وجود دارد و رکن یمانی، تأکید بیشتری نسبت به ارکان دیگر دارد.

ويستحب أن يطوف ثلاثمائة وستين طوافاً، فإن لم يتمكن فثلاثمائة وستين شوطاً، ويلحق الزيادة بالطواف الأخير، ويسقط الكراهية هنا بهذا الاعتبار. وأن يقرأ في ركعتي الطواف في الأولى مع "الحمد" "قل هو الله أحد"، وفي الثانية معه "قل يا أيها الكافرون". ومن زاد على السبعة سهواً أكملها أسبوعين وصلى الفريضة أولاً، وركعتي النافلة بعد الفراغ من السعي، وأن يتدانى من البيت. ويكره الكلام في الطواف بغير الدعاء والقراءة.

مستحب است سیصدوشصت طواف انجام دهد و اگر نتوانست سیصدوشصت دور و شوط های اضافی به طواف آخر ملحق می شود و کراهت دور زدن بیش از هفت دور به این ترتیب از بین می رود. مستحب است در دو رکعت نماز طواف در رکعت اول «حمد» و «قل هو الله احد» و در رکعت دوم «حمد» و «قل يا أيها الكافرون» را بخواند. مستحب است کسی که سهواً بیش از هفت دور زده، آن را به چهارده دور برساند و دو رکعت نماز طواف برای هفت دور اول بخواند، سپس سعی انجام دهد و بعد از اتمام آن، دو رکعت نماز طواف مستحبی به جا آورد؛ همچنین مستحب است به خانه کعبه نزدیک شود.

هرگونه سخن گفتن در هنگام طواف به جز خواندن دعا یا قرآن، مکروه است.

9- امام صادق (ع) فرمود: بر گرد خانه خدا هفت شوط طواف کن و در طواف بگو: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشِي بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يَمْشِي بِهِ عَلَى جَدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرْشُكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتُ عَلَيْهِ مَحَبَّةٌ مِنْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ (ص) مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي... كَذَا وَ كَذَا مَا أَحْبَبْتَ مِنَ الدُّعَاءِ)؛ (خدایا! تو را به آن نامت می خوانم که با آن بر پشت دریاها راه می روند، همچنان که با آن راه های زمینی را طی می کنند و به آن نامی که عرش تو برای آن به لرزه درمی آید و به آن نامت که گام های فرشتگانت برایش به لرزه می افتند. خدایا! تو را به آن نامت سوگند که موسی (ع) از سوی وادی طور تو را با آن صدا کرد و پاسخش دادی و محبتی از خویش بر او انداختی و به آن نامت می خوانم که با آن محمد (ص) را و گناه گذشته و آینده اش را بخشیدی و نعمت خویش را بر او تمام کردی. از تو می خواهم... هر دعا و خواسته ای که دوست داری بگو). (مترجم)

10- محلی در پشت درب کعبه، کمی مانده به رکن یمانی، مقابل ملتزم و در سوی دیگر کعبه. دیوار کنار رکن یمانی را «مستجار» می نامند. «جار» به معنای همسایه و «مستجار» به معنای پناه بردن به هم جوار و به صورت کلی تر «پناه بردن» است. این مکان نیز در اعتقاد مسلمانان از مکان های پذیرفته شدن دعاست. هنگامی که خانه کعبه دو در داشت، در دیگر آن کنار مستجار بود که بسته شد. (مترجم)

الثالث: في أحكام الطواف، وفيه اثنتا عشرة مسألة:

سوم: احكام طواف

دوازده مسئله:

الأولى: الطواف ركن من تركه عامداً بطل حجه، ومن تركه ناسياً قضاها ولو بعد المناسك، ولو تعذر العود استتاب فيه. ومن شك في عدده بعد انصرافه لم يلتفت، وإن كان في أثنائه وكان شاكاً في الزيادة قطع ولا شيء عليه، وإن كان في النقصان استأنف في الفريضة، وبنى على الأقل في النافلة.

اول: طواف یکی از ارکان حج است که اگر کسی عمداً آن را ترک کند حجه باطل است و هرکس از روی فراموشی آن را ترک نماید باید آن را قضا کند، حتی اگر پس از اتمام مناسک باشد؛ و اگر نتوانست برگردد برای آن نایب می‌گیرد. کسی که پس از بازگشت در تعداد شوطها شک کند توجهی به شک خود نکند و اگر در بین طواف شک کند و شکش بر بیشتر بودن عدد باشد طوافش را قطع کند و وظیفه دیگری ندارد، ولی اگر شکش بر کمتر بودن عدد باشد [دو حالت دارد]: اگر طواف واجب باشد طواف را از سر بگیرد، ولی اگر طواف مستحب باشد بنا را بر عدد کمتر بگذارد.

الثانية: من زاد على السبع ناسياً، وذكر قبل بلوغه الركن قطع ولا شيء عليه.

دوم: کسی که از روی فراموشی بیش از هفت دور طواف کند و پیش از اینکه به رکن برسد یادش بیاید، طوافش را قطع نماید و وظیفه دیگری ندارد.

الثالثة: من طاف وذكر أنه لم يتطهر أعاد في الفريضة دون النافلة، ويعيد صلاة الطواف الواجب واجباً، والندب ندباً.

سوم: کسی که طواف کند و یادش بیاید طهارت ندارد، اگر طوافش واجب است باید دوباره طواف کند و اگر طواف مستحبی است نیاز به تکرار ندارد و اگر طواف واجب باشد نماز طواف واجب را دوباره بخواند و اگر طواف مستحبی بود، مستحب است نماز طواف را دوباره بخواند.

الرابعة: من نسي طواف الزيارة حتى رجع إلى أهله وواقع لا كفارة عليه، وإن واقع بعد الذكر عليه بدنة والرجوع إلى مكة للطواف. ولو نسي طواف النساء جاز أن يستتيب، ولو مات قضاها وليه وجوباً.

چهارم: هرکس طواف زیارت را تا زمانی که به نزد همسرش برگردد فراموش کند و با همسرش نزدیکی کند کفاره بر گردنش نیست و اگر پس از اینکه به یاد آورد باز هم نزدیکی نمود باید یک شتر (به عنوان کفاره) قربانی کند و برای طواف به مکه بازگردد. اگر طواف نسا را فراموش کرد می‌تواند نایب بگیرد و اگر از دنیا رفت واجب است ولی او از طرفش قضا نماید.

الخامسة: من طاف كان بالخيار في تأخير السعي إلى الغد، ثم لا يجوز تأخيره مع القدرة.

پنجم: کسی که طواف انجام داده، می‌تواند سعی صفا و مروه را تا فردای آن روز به تأخیر بیندازد، اما در صورتی که توانش را داشته باشد تأخیر بیش از این جایز نیست.

السادسة: يجب على المتمتع تأخير الطواف والسعي حتى يقف بالموقفين، ويأتي مناسكه يوم النحر، ولا يجوز التعجيل إلا للمريض والمرأة التي تخاف الحيض، والشيخ العاجز، ويجوز التقديم للقارن والمفرد على كراهية.

ششم: کسی که حج تمتع به‌جا می‌آورد باید طواف و سعی صفا و مروه را تا بعد از وقوف در عرفات و مشعر و انجام مناسک روز عید قربان به تأخیر اندازد و فقط بیمار، زنی که می‌ترسد حیض شود و پیر ناتوان می‌توانند طواف و سعی را زودتر انجام دهند. کسی که حج قران و افراد به‌جا می‌آورد نیز می‌تواند طواف و سعی اش را زودتر انجام دهد، هرچند که مکروه است.

السابعة: لا يجوز تقديم طواف النساء على السعي للمتمتع ولا لغيره اختياراً، ويجوز مع الضرورة والخوف من الحيض.

هفتم: کسی که حج به‌جا می‌آورد (چه تمتع و چه غیر آن) جایز نیست در حال اختیار، طواف نسا را قبل از سعی انجام دهد، اما در حالت ضرورت و ترس از حیض شدن جایز است.

الثامنة: من قدم طواف النساء على السعي ساهيا أجزاءه، ولو كان عامداً لم يجز.

هشتم: کسی که از روی فراموشی طواف نسا را پیش از سعی انجام دهد از او پذیرفته است، ولی اگر از روی عمد چنین کند کفایت نمی‌کند.

التاسعة: لا يجوز الطواف وعلى الطائف (الرجل) غطاء رأس، سواء في طواف العمرة أم الحج.

نهم: جایز نیست مرد در حال طواف (چه طواف عمره و چه طواف حج) سر خود را بیوشاند.

العاشرة: من نذر أن يطوف على أربع إذا كان رجل يجب أن يطوف على أربع وإذا كانت امرأة يجب عليها طوافان على قدميها لا على أربع.

دهم: اگر مردی نذر کند چهاردست‌وپا طواف نماید واجب است نذرش را به همین شکل ادا کند، اما اگر زنی چنین نذری کند باید دو طواف روی دو پا (و نه روی چهاردست‌وپا) به‌جا آورد.

الحادية عشرة: لا بأس أن يعول الرجل على غيره في تعداد الطواف، ولو شكاً جميعاً عولا على الأحكام المتقدمة.

یازدهم: اشکالی ندارد که مرد در شمردن تعداد دورهای طواف به دیگری اعتماد کند و اگر همگی آنها به شک افتادند طبق احکامی که در این مورد گفته شد عمل کنند.

الثانية عشرة: طواف النساء واجب في الحج والعمرة المفردة دون المتمتع بها، وهو لازم للرجال والنساء والصبيان والخنثى.

دوازدهم: طواف نسا در حج واجب و عمره مفرده (نه عمره تمتع) واجب است و این مورد برای زنان، مردان، کودکان و افراد خنثی لازم است.